مفهوم توسعه پایدار در محیط‌های روستایی حوزه کلانشهرها (مطالعه موردی کلانشهر تهران)

محمد اکبرپور سراسکانرود* / اسماعیل نجفی**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۰۷/۲۹
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۰۴/۰۶

چکیده

توسعه پایدار یکی از جامع‌ترین مفاهیم در همه زمانها است. اهداف توسعه پایدار در همه سطوح سازمان فضایی(محلی، منطقه‌ای و جهانی) مطرح است. حوزه‌های کلانشهری از جمله حوزه‌هایی است که بواسطه نظام متفاوت روابط مختلف سکونتگاهی و حضور و جریان نیروهای مختلف نشات گرفته از قطب کلانشهری، سیمایی متفاوت را به کانونهای روستایی خود بخشیده است؛ شهر تهران علاوه بر سطح ملی، در سطح منطقه‌ای و ناحیه‌ای نیز بالاترین تعداد و تنوع کارکردها را دارد و بعنوان مکان مرکزی برتر، ارائه کننده کالاها و خدمات مختلف به شهرها و روستاهای اطراف حوزه‌اش می‌باشد. بدین ترتیب بنظر می‌رسد جهت کاهش آثار غیراصولی شهرها بر نواحی روستایی و تضمین منافع اقتصادی، اجتماعی و محیطی هر یک، تأکید بر رویکرد مدیریت توسعه پایدار امری اجتناب ناپذیر تلقی می‌گردد. بنابراین طبق یافته‌های پژوهش در مجموع، از آن جا که بروز تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فضایی- کالبدی و شکل گیری کارکردهای جدید در نواحی روستایی اطراف تهران بصورت خودجوش و فاقد هرگونه حرکت برنامه ریزی شده بوده است, آثار و پیامدهای نامطلوبی هم بر شهر تهران و هم بر نواحی اطراف آن بر جای گذاشته است که به همین دلیل کنترل و هدایت تحولات در نواحی اطراف تهران در راستای توسعه یکپارچه و پایدار نواحی شهری و روستایی از طریق تهیه و اجرای طرح‌های ساماندهی ضروری می‌باشد.

واژگان کلیدی: توسعه، توسعه پایدار، مدیریت، روستاهای کلان شهر تهران.

مقدمه

امروزه توسعه بعنوان یک فرایند، مهمترین بحث کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه است. تحقق پیشرفت و توسعه کشورها نیز مستلزم بهره گیری از استعداد، توان و حضور فعالانه مردم و مشارکت آنها در مراحل مختلف توسعه است (ازکیا، ۱۳۸۷: ۳۹).

* دانشجوی دکترای جغرافیا- دانشگاه تهران
** دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا- دانشگاه تهران

پس مفهوم توسعه در فرآیند زمانی همواره به سوی عمیق‌تر شدن، جامع شدن، چند بعدی نگری، در بر گرفتن شرایط و عوامل ساختاری و مردمی‌تر شدن حرکت کرده است. اگر در آغاز نگرش توسعه بیشتر سخت افزاری بود ولی امروزه بررسی فاکتورهای توزیعی، بیانگر توجه بیشتر توسعه نسبت به برابری در توزیع ثمرات رشد اقتصادی و اهمیت بیشتر قائل شدن به جنبه های نرم افزاری یا هنجاری- رفتاری توسعه است. در حال حاضر از جمله رویکردهای حاکم، پس از تطور و تحول تاریخی انواع رویکردهای مختلف مرتبط با توسعه، رویکرد توسعه پایدار است که به عنوان رویکرد غالب، ساختار فکری برنامه ریزان را در ساماندهی فضاهای جغرافیایی تحت تاثیر قرار داده است، در این چارچوب، طیفی از دیدگاههای مختلف از تفکرات مدرنیسم تا رادیکالیست‌های تندرو بسط و گسترش یافته‌اند که هر کدام از دریچه‌ای خاص به موضوع پایداری، ابعاد و ویژگیهای آن پرداخته‌اند و از آن جمله می‌توان به رهیافت‌های مدرن، رهیافتهای ساختارگرا و رهیافتهای میانه رو اشاره کرد که در این میان بنظر می‌رسد در سطح کلان رهیافت‌های مدرن، در شکلدهی فضاهای جغرافیایی اثرگذارتر بوده‌اند (Michelle,2008,362). آنچه که در این رویکردها مهم به نظر می‌رسد حضور نیروهای اقتصاد بازار و نقش آنها بر میزان پایداری و یا ناپایداری سکونتگاههای روستایی است. در واقع، سکونتگاههای انسانی به عنوان نظام‌های جغرافیایی و واقعیت‌های مکانی - فضایی، متأثر از عوامل و نیروهای فضاساز در یک فرآیند زمانی - مکانی بوجود آمده و همواره تحت تأثیر فرآیندهای درونی و بیرونی (اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و محیطی- اکولوژیک) در حال تغییر و تحول بوده‌اند. در این میان سکونتگاههای روستایی به عنوان جزئی از نظام های جغرافیایی که متشکل از اجزاء مرتبط به هم می باشند، متأثر از موقعیت و جایگاه مکانی- فضایی، نحوهٔ تعامل یا ارتباط (ارتباط درونی و بیرونی) با مراکز شهری، خود در گذر زمان همواره دستخوش تحولاتی شده‌اند.

سکونتگاههای انسانی به عنوان نظام‌های جغرافیایی و واقعیت‌های مکانی - فضایی، متأثر از عوامل و نیروهای فضاساز در یک فرآیند زمانی - مکانی بوجود آمده و همواره تحت تأثیر فرآیندهای درونی و بیرونی (اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و محیطی- اکولوژیک) در حال تغییر و تحول بوده‌اند

حوزه‌های کلانشهری از جمله حوزه‌هایی است که بواسطه نظام متفاوت روابط مختلف سکونتگاهی و حضور و جریان نیروهای مختلف نشات گرفته از قطب کلانشهری، سیمایی متفاوت را به کانونهای روستایی خود بخشیده است؛ روابط و مناسبات بین سکونتگاهها و بویژه بین شهر و روستا که خود را بیشتر به شکل جریانهای جمعیت، کالا، سرمایه، عقاید، اطلاعات و نوآوری نشان می‌دهد، پدیده‌ای فضایی- مکانی و جغرافیای بوده و شناخت، تبیین و کشف قانونمندیهای کلی حاکم بر آن، در چهارچوب روابط متقابل انسان و محیط موضوعی جغرافیایی بوده و از اهمیت نظری و کاربردی ویژه‌ای برخوردار است. همچنین با توجه به نقش این روابط در فرایند تحولات و توسعه کانونهای شهری و روستایی، علاوه بر بررسی انواع و علل روابط، شناخت آثار و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و فضایی-

کالبدی آن بر شهر و روستا و تلاش برای کاهش اثرات منفی این روابط در راستای ساماندهی آنها، زمینه ساز توسعه پایدار نواحی روستایی و شهری خواهد بود. نواحی اطراف حوزه کلان شهر تهران آزمایشگاه جالبی از روابط شهر و روستاهاست. در این ناحیه به دلیل فاصله نزدیک شهر و روستا و قرار داشتن کلانشهر ملی تهران در یک طرف رابطه، روابط و مناسبات شهر و روستا بسیار گسترده و متنوع بوده و البته پیامدهای عمیقی نیز بویژه بر نواحی روستایی بر جای می‌گذارد. بدنبال جداسازی کارکردهای فضایی شهر و روستا که الگوی سنتی غالب چند دهه برنامه‌ریزی در کشورهای در حال توسعه بود و نیز پیامدهای نا مطلوب آن که در آشفتگی‌های ناحیه‌ای تجلی یافت تأکید وسیعی به یکپارچه سازی سیاستها از طریق اعمال روشهای هدفمند و نظام مند اقتصادی، اجتماعی و محیطی صورت پذیرفت، جابجایی بی‌برنامهٔ مردم، کالاها، سرمایه‌ها، اطلاعات، فن آوری، خدمات و تولیدات و توزیع نا متوازن آن در مناطق مختلف به همراه جهت گیری‌های یک سویه که بیشتر منافع شهرها را تضمین می نمود. بنابراین این مقاله برای یافتن جواب به این سوالات است: ۱. عوامل موثر بر پایداری سکونتگاههای روستایی حوزه کلانشهرها کدامند؟ ۲. آیا پایداری در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی در حوزه کلانشهرها (مخصوصاً تهران) الزاماً با هم همسو هستند؟ ۳. راهبردهای توسعه پایدار حوزه کلانشهرها کدامند؟

طرح مسئله

همانطور که تصویر شماره ۱ نشان می‌دهد بر روند بی‌برنامهٔ کاهش جمعیت روستایی و افزایش جمعیت شهری در جهان افزوده شده است. در حالی که در سال ۱۹۵۰ کمتر از یک سوم جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کردند، پیش بینی می‌شود که در سال ۲۰۳۰ بیش از دو سوم جمعیت جهان در شهرها زندگی کنند.

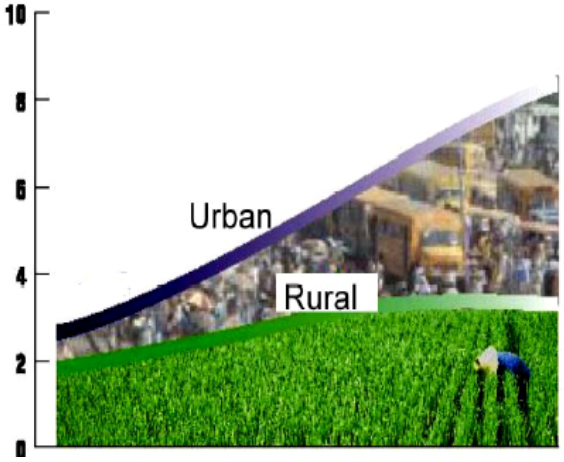

تصویر شماره ۱: روند تحول جمعیت شهری و روستایی تا سال ۲۰۳۰ . ماخذ: Magel, 2004

جای هیچ شک و تردیدی نیست که بزرگترین چالش هزارهٔ سوم میلادی، کاهش فقر و نابرابری در سطوح منطقه‌ای است. آنچه در دهکدهٔ جهانی یافت می‌شود آن است که به ازاء هر ۱۰۰۰ نفر سکنهٔ روستایی جهان ۲۰۶ نفر بی سواد، ۱۳۰ نفر با سوء تغذیه، ۱۶۵ نفر با درآمد کمتر از یک دلار در روز و ۴۲۶ نفر تنها با درآمد ناپایدار حاصل از کشاورزی ارتزاق می‌نمایند (Magel, 2004:1). و اما در یک جهان متوازن تاکید برعدالت و رفع فقر تؤامان شهری و روستایی و نیز ایجاد فرصتهای شغلی و آموزشی امری اجتناب ناپذیر تلقی می‌شود. همهٔ ما باید بپذیریم که در نهایت بایستی به آن چیزی که به

جای هیچ شک و تردیدی نیست که بزرگترین چالش هزارهٔ سوم میلادی، کاهش فقر و نابرابری در سطوح منطقه‌ای است. آنچه در دهکدهٔ جهانی یافت می‌شود آن است که به ازاء هر ۱۰۰۰ نفر سکنهٔ روستایی جهان ۲۰۶ نفر بی سواد، ۱۳۰ نفر با سوء تغذیه، ۱۶۵ نفر با درآمد کمتر از یک دلار در روز و ٤٢٦ نفر تنها با درآمد ناپایدار حاصل از کشاورزی ارتزاق می‌نمایند

روابط ارگانیک که عمدتاً با آثار مثبت اقتصادی، اجتماعی و محیطی همراه است در شکوفایی و رونق و روابط غیر ارگانیک در بروز آشفتگی‌های شهری و روستایی مؤثرند

اصطلاح، تقسیم یا کشمکش شهر و روستا نامیده می‌شود غلبه نماییم. بدین ترتیب برنامه ریزان تقویت مناسبات شهر و روستا را در جهت کاهش فقر نواحی روستایی و حصول به توسعهٔ متوازن و پایدار را بیش از گذشته مورد توجه قرار داده‌اند. در دهه‌های گذشته در کشور ما نیز اگر چه شهرها از روستاها متأثر شده و پیامدهای متفاوتی حاصل از این روابط در فضاهای شهری شکل گرفته است با این حال آثار متعدد اقتصادی، اجتماعی و محیطی شهرها بر روستاهای کشور از عمق و پیچیدگی بیشتری برخوردار است. تجلی چنین آثاری که گاه با عناوین پیامدهای ارگانیک و غیر ارگانیک تفسیر می‌شود مبین نقش دوگانهٔ اثر بخشی تعامل شهر و روستا در ابعاد منطقه‌ای است. روابط ارگانیک که عمدتاً با آثار مثبت اقتصادی، اجتماعی و محیطی همراه است در شکوفایی و رونق و روابط غیر ارگانیک در بروز آشفتگی‌های شهری و روستایی مؤثرند. بدین ترتیب بنظر می‌رسد جهت کاهش آثار غیرارگانیک شهرها بر نواحی روستایی کشور و تضمین منافع اقتصادی، اجتماعی و محیطی هر یک، تأکید بر رویکرد مدیریت پایدار و یکپارچهٔ روستایی امری اجتناب ناپذیر تلقی می‌گردد. حوزه‌های کلانشهری از جمله حوزه‌هایی است که بواسطه نظام متفاوت روابط مختلف سکونتگاهی و حضور و جریان نیروهای مختلف نشات گرفته از قطب کلانشهری، سیمایی متفاوت را به کانونهای روستایی خود بخشیده است؛ به دیگر سخن، از جمله کانونهای اصلی تجمع نیروهای عمده بازار در بخش اعظم کشورهای جهان - اعم از توسعه یافته و در حال توسعه- مناطق کلانشهری است که باعث می‌شود تا حوزه‌های روستایی بلافصل آن، متاثر از نیروها و فرایندهای اثرگذار، از ویژگیهای اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی و نیز پیامدهای متفاوتی با سایر حوزه‌های سکونتگاهی برخوردار شود، لذا این پژوهش با توجه به ویژگیهای فوق، بدنبال واکاوی نقش نیروهای کلانشهری شهر تهران در فرایند پایداری و یا ناپایداری سکونتگاههای روستایی حوزه‌های بلافصل آنهاست که تحت تاثیر این نیروها و روندها، تا حدود زیادی خود را از سایر حوزه‌های روستایی متمایز گردانیده اند. مطالعه و بررسی اسناد مربوط به توسعه روستایی و نیز پایداری روستایی در ابعاد مختلف نشان می‌دهد که از جمله ویژگی‌های اساسی کانون های روستایی در بخش عمده سرزمین (حوزه‌های غیرکلانشهری) به شرح زیر می باشد:

منابع انسانی: کم سوادی نیروی کار کشاورزی، مهاجرت نیروی کار جوان، سالمند شدن نیروی کار کشاورزی، افزایش فقر و مانند آن؛

منابع طبیعی: محدودیت منابع آب و خاک، تجهیز غیرکارای منابع، روندهای تخریب منابع خاک و گیاه، تمهیدات نامناسب در برابر بلایای طبیعی؛

منابع کالبدی: ضعف عملکردی، مکانیابی های غیر اقتصادی برای نگهداری و کمبود خدمات اجتماعی و شخصی؛

منابع سرمایه‌ای: سرمایه گذاری محدود بخش خصوصی، محدودیت سرمایه گذاری بخش دولتی، عدم انباشت کافی سرمایه؛

فن آوری: بومی نشدن اغلب فن آوریهای لازم، کاربرد فن آوری نامناسب، فقدان انگیزش کافی برای گسترش فن آوریهای نوآورانه؛

نظام مدیریتی: خلاء نظام مدیریت واحد روستایی، تداخل و تقابل واحدهای تصمیم گیری موثر بر بخش کشاورزی، فقدان مشارکت اثربخش و فراگیر روستاییان، عدم شناخت و تصویر منطقی، نظام مند و مستمر از وضعیت و تحولات جامعه روستایی. در این فرایند و در حالی که تعداد کثیری از نقاط روستایی بصورت محروم باقی مانده‌اند، تعداد قلیل و بسیار اندکی از کانونهای سکونتگاهی- حوزه‌های کلانشهری- به رشد فزاینده‌ای دستیابی پیدا کرده‌اند؛ حال مسئله عمومی پیش‌روی تبیین و تحلیل تفاوتهای موجود بین سکونتگاههای روستایی حوزه‌های کلانشهری و غیرکلانشهری و ساز و کارهای موثر بر ایجاد تفاوت‌های فوق می‌باشد. واکاوی این مسئله مستلزم انجام کاوش در ارتباط با شرایط و نیروهای اثر گذار بر توسعه در حوزه‌های کلانشهری و تفاوتهای آن با سایر نقاط و حوزه های شهری است. بنابراین هدف از این پژوهش رسیدن به عوامل و نیروهای موثر بر پایداری سکونتگاههای روستایی حوزه کلانشهرتهران می‌باشد.

روش تحقیق

در شروع پژوهش به منظور کنکاش، در مباحث نظری، روش پژوهش مبتنی بر اطلاعات ارائه شده در اسناد و مدارک کتابخانه‌ای انتخاب شده است؛ سپس به ارزیابی اقدامات توسعه در روستاهای کلان شهر تهران در رابطه با شرایط پایداری پرداخته می‌شود. در حوزه پایداری روستایی به دلیل همپوشانی ابعاد متفاوت حیات طبیعی و انسانی- اقتصادی، اتخاذ روش تحقیق توصیفی - تحلیلی در شناخت بهتر از عناصر، رفتار و عملکرد سیستم و همچنین نحوه تعامل ان با محیط پیرامونی گریز ناپذیر است. با اتکال به چنین رویکرد روش شناختی هر یک از ابعاد و اجزای توسعه‌ای در تناسب با ظرفیت، اهمیت و نقش آن در کلیت سیستم مورد توجه واقع شده و تبعاً لحاظ نمودن ترکیبی از پیوندهای همزمان، توامان و مکمل اجزا در ساختار تعریف شده، زمینه‌ساز یکپارچگی و همبستگی فضایی در گستره محیطهای روستایی می‌شود. این تحقیق از نظر هدف از نوع تحقیقات بنیادی و از نظر روش با توجه به ماهیت موضوع و هدف تحقیق، روش توصیفی- تحلیلی و مطالعه تطبیقی استفاده شده است.

مبانی نظری

مفهوم توسعه در فرآیند زمانی همواره به سوی عمیق‌تر شدن، جامع شدن، چند بعدی نگری، در بر

گرفتن شرایط و عوامل ساختاری و مردمی تر شدن حرکت کرده است. اگر در آغاز نگرش توسعه بیشتر سخت افزاری بود ولی امروزه بررسی فاکتورهای توزیعی، بیانگر توجه بیشتر توسعه نسبت به برابری در توزیع ثمرات رشد اقتصادی و اهمیت بیشتر قائل شدن به جنبه‌های نرم افزاری یا هنجاری- رفتاری توسعه است. در این زمینه دیدگاههای رایج هم چون دیدگاه نوگرایی اکولوژیک، محیط گرایی با محوریت بازار و نیز رهیافتهای پایداری ضعیف و تا حدودی پایداری متوسط ضمن وجود برخی از اختلاف دیدگاهها، بر نقش و عملکرد نیروهای بازار در پایداری فضاهای جغرافیایی تاکید تام دارند. آنچه که در این دیدگاهها و رویکردها مهم به نظر می‌رسد حضور نیروهای اقتصاد بازار- غالباً شهرمحور- و نقش آنها بر میزان

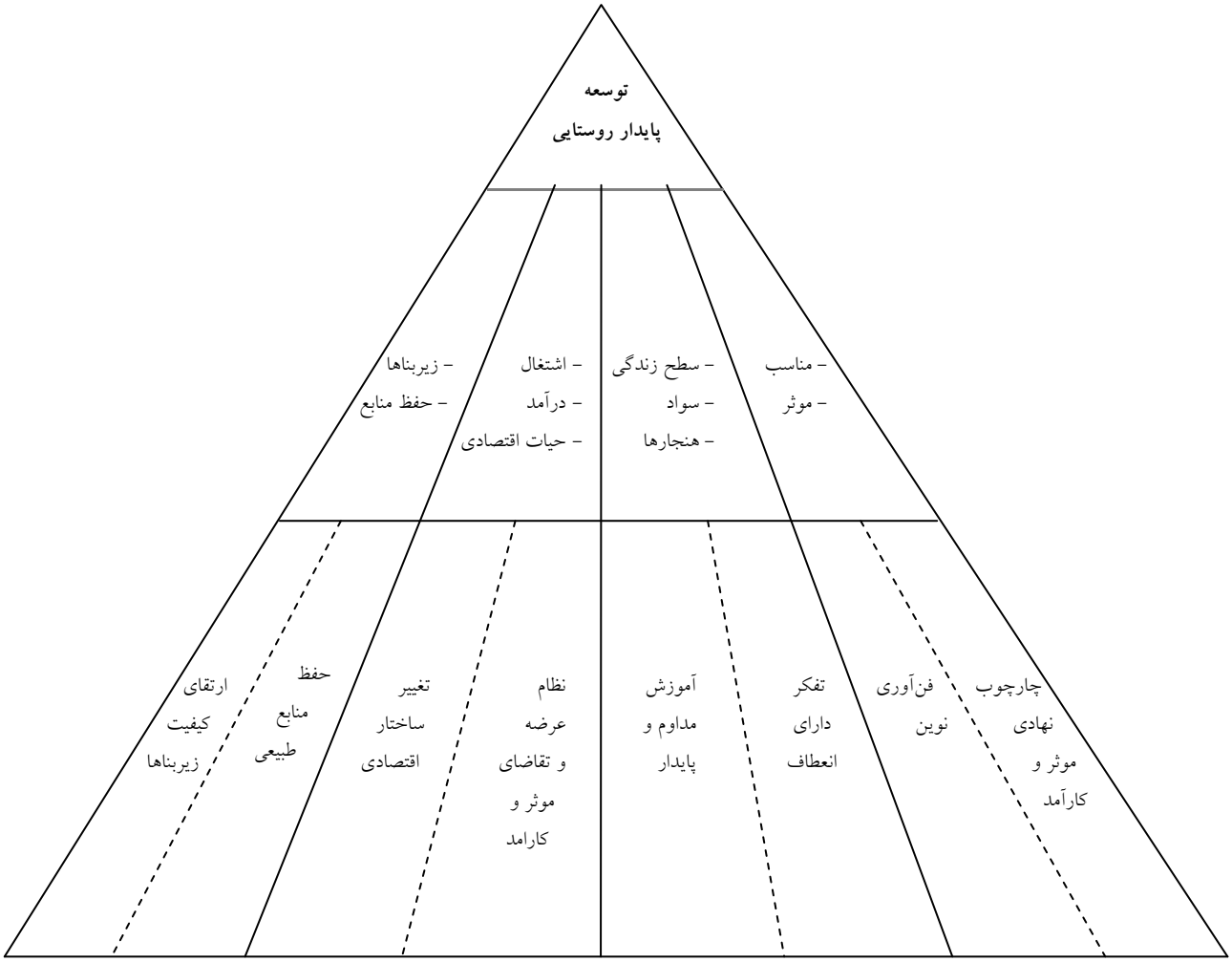

تصویر ۲: مدل مفهومی توسعه پایدار روستایی

(Source: Mohammad bin Zinuddin, 1999:15)

پایداری و یا ناپایداری سکونتگاههای روستایی است. در واقـع، سـکونتگاههای انسـانی بـه عنـوان نظـام هـای جغرافیایی و واقعیـت‌هـای مکـانی - فضـایی، متـأثر از عوامـل و نیروهـای فضاسـاز در یـک فرآینـد زمـانی - مکانی بوجود آمـده و همـواره تحـت تـأثیر فرآینـدهای درونـی و بیرونـی (اجتمـاعی- فرهنگـی، اقتصـادی و محیطی- اکولوژیک) در حال تغییر و تحـول بوده‌اند. در این میان سکونتگاههای روستایی به عنـوان جزیـی از نظام‌های جغرافیایی که متشکل از اجزای مرتبط به هم می‌باشند، متأثر از موقعیت و جایگاه مکانی- فضـایی، نحوهٔ تعامل یا ارتباط (ارتبـاط درونـی و بیرونـی) بـا مراکز شهری، خود در گذر زمـان همـواره دسـتخوش تحولاتی شده‌اند. در حال حاضر از جمله رویکردهای حاکم، پس از تطور و تحول تاریخی انواع رویکردها

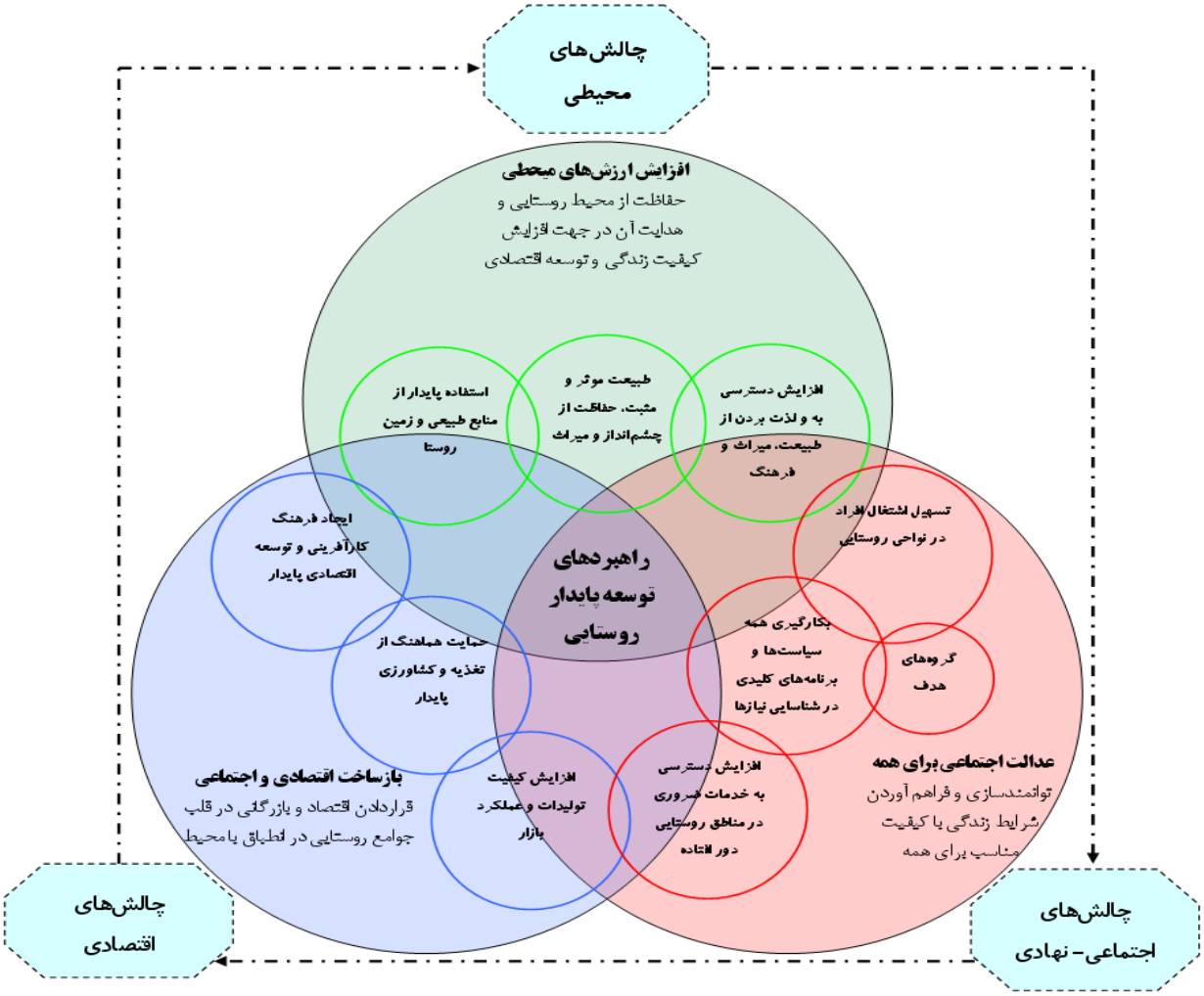

تصویر ۳: راهبردهای توسعه پایدار روستایی حوزه کلانشهرها؛ ماخذ: یافته‌های مبانی نظری، ۱۳۸۹

و دیدگاههای مختلف مرتبط با توسعه، رویکرد توسعه پایدار است که به عنوان رویکرد غالب، ساختار فکری برنامه‌ریزان را در ساماندهی فضاهای جغرافیایی تحت تاثیر قرار داده است، در این چارچوب، طیفی از دیدگاههای مختلف از تفکرات مدرنیسم تا رادیکالیست‌های تندرو بسط و گسترش یافته‌اند که هر کدام از دریچه‌ای خاص به موضوع پایداری، ابعاد و ویژگیهای آن پرداخته اند و از آن جمله می‌توان به رهیاف‌های مدرن، رهیافتهای ساختارگرا و رهیافتهای میانه رو اشاره کرد که در این میان بنظر می‌رسد در سطح کلان رهیافتهای مدرن، در شکل دهی فضاهای جغرافیایی اثرگذارتر بوده‌اند. توسعه پایدار ضمن ارتقای ظرفیت‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی جامعه، بستری مناسب در جهت همگامی و همراهی عناصر متشکله جامعه از طریق همکاری میان آنان فراهم می‌آورد. بدیهی است «تسهیل همکاری بین بخش‌ها»[1] و «تقویت نمودن سازمان‌های مردمی روستایی»[2] از پیامدهای مهم این تعامل است. تصویر شماره ۲ مضامین مورد تاکید در توسعه پایدار روستایی را بر اساس اهداف، معیارهای پایداری و برنامه‌های توسعه روستایی، و در قبال آن تصویر شماره ۳ راهبردهای توسعه پایدار روستایی حوزه کلانشهرها رانشان می‌دهد.

گروهی تقسیم دوگانهٔ شهر و روستا را اصولاً بر مبنای پیوند روستا و شهر در جهت حصول به یک زندگی پایدار مورد توجه قرار داده و در این بخش همچنانکه تصویر شماره ٤ نشان می‌دهد به اثرات گسترش نامتوازن و بی‌برنامهٔ شهرها در عرصه‌های روستایی و نیز مهاجرت روستاییان به شهرها و مشکلات آن چون افزایش تقاضا برای زمین، کنترل مستمر کاربری اراضی، توسعهٔ کالبدی نامتوازن در شهرکها، شهرها و شهرهای بزرگ اشاره داشته و به ضرورتهای مدیریت یکپارچهٔ ناحیه‌ای تاکید می‌کنند (Magel,2004:14).

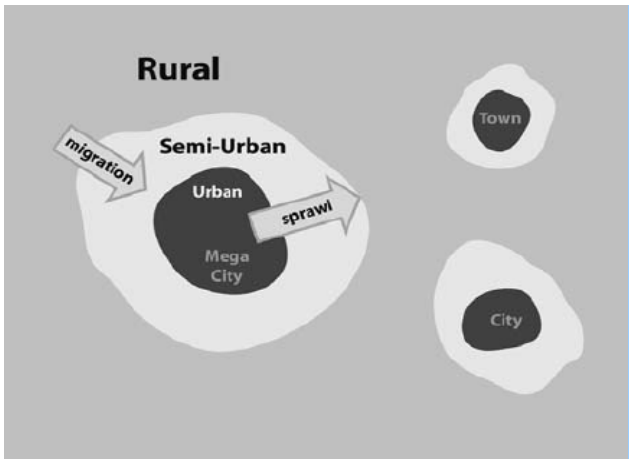

تصویر ٤: ضرورتهای مدیریت یک شکل شهر و روستا
Source: Holger Magel "Marrakech (Declaration" 2004: 11)

ازدحام و شلوغی[3] که غالباً به ادبار و تیره روزی شهری[4] منجر می‌شود، کمبود مسکن[5]، شکل گیری واحدهای مسکونی با کیفیت پایین و نیز تجمع وسیع زباله‌ها و ناکارآمدی زیربناهای شهری[6] نمونه‌ای از آثار منفی عملکرد روستاها بر مراکز شهری است. با این وجود علیرغم آثار مخربی که عمدتاً به دلیل عدم وجود روابط ارگانیک میان شهرها و روستاها بوجود می آید در صورت بسترسازی مناسب و هدفمند، روستاها قادرند موجب ایجاد فرصتهای شغلی برای نیروی کار در شهرها گردیده، کالاهای ارزان قیمت و مناسب برای گروههای کم درآمد شهری تهیه نمایند، زمین مناسب برای ساخت و ساز اقشار کم درآمد شهری تهیه نموده و برای بهره گیری شهروندان از چشم اندازهای طبیعی بستری مناسب فراهم آورده و

در نهایت موجب رونق اقتصاد شهری بویژه بخشهای خدماتی شوند. همچنین شهرها نیز برنواحی روستایی پیرامون خود آثار مثبت و منفی متعددی بر جای می‌گذارند.

نیروها و شرایط اثرگذار بر توسعه روستایی و نیز پایداری آن در حوزه‌های کلانشهری

- فرصت دسترسی به بازار مصرف گسترده با حجم تقاضای بالا،
- فرصتهای بیشتر در زمینه‌های مختلفی چون اشتغال، درآمدزایی و مانند آن،
- دسترسی و برخورداری از انواع خدمات زیر بنایی،
- نزدیکی به بزرگترین بازار مصرف،
- تنوع الگوهای مصرفی،
- تجمع صنایع مختلف،
- سهولت در دسترسی به منابع مالی و اعتباری،
- توسعه و بکارگیری گسترده فن آوریهای نوین،
- تجمع بخش اعظم نیروهای متخصص و فعال،
- مهاجرپذیری،
- تجمع بخش اعظم سرمایه‌های کشور،
- تغییر و تکامل شیوه‌های تولید کشاورزی و صنعتی،
- افزایش بهره وری اقتصادی.

چالشهای اثرگذار بر توسعه روستایی و نیز پایداری آن در حوزه‌های کلانشهری

- تغییرات گسترده کاربریهای اراضی مفید و طبیعی،
- افزایش انواع آلاینده های زیست محیطی بواسطه تمرکز صنایع،
- فشارهای اکولوژیکی
- بالا آمدن سطح سفره های آب زیرزمینی
- تنوع قومیتی
- ضعف سرمایه های اجتماعی

مدیریت یکپارچهٔ روستا و شهر و توسعهٔ پایدار

مدیریت یکپارچهٔ روستایی به دور از تعصبات رایج شهری و روستایی به پیوند روستا و شهر معتقد بوده و توسعهٔ پایدار روستایی و شهری را بدون توجه به پیوند متقابل هر یک دست نیافتنی می‌داند (Epstien,2001:3).

دنیس راندنیلی و هیو ایوانز[۷] معتقدند مدیریت یکپارچهٔ منطقه‌ای[۸] با تأکید بر مناسبات روستا و شهر قادر است نظامی کاملاً شفاف از سکونتگاهها را در جهت تنوع بخشی به خدمات، دسترسی به تسهیلات، افزایش دسترسی به بازارهای شهری، فرصتهای اشتغال غیرکشاورزی و نیزتأمین نهاده‌های کشاورزی را برای سکونتگاههای روستایی فراهم آورد (Rondinelli & Evans,1983:31-35). مدیریت یکپارچهٔ روستایی فرایندی بین بخشی[۹] و چند رشته‌ای[۱۰] است که در آن ابزارهای مناسبی برای ایجاد مناسباتی ترکیبی از کوششهای توأمان شهری و روستایی[۱۱] از طریق اتحاد روستا و شهر[۱۲] برای استفادهٔ بهینه از ساز و کارهای بازار، اعمال مدیریت مناسب شهری و محیطی و ارتقای بهره‌وری روستایی صورت می‌گیرد. زیرا ابعاد اقتصادی، اجتماعی و

مدیریت یکپارچهٔ روستایی به دور از تعصبات رایج شهری و روستایی به پیوند روستا و شهر معتقد بوده و توسعهٔ پایدار روستایی و شهری را بدون توجه به پیوند متقابل هر یک دست نیافتنی می‌داند

تجربیات جهانی نشان می‌دهد که نواحی شهری دارای پیوند ضعیف با عرصه‌های روستایی خود عمدتاً در رقابتهای منطقه‌ای، ملی و بین المللی ناتوان و ناکارآمد هستند

محیطی روستا و شهر وابسته و مکمل یکدیگرند. بازارهای روستایی و شهری از طریق پیوندهای پسین و پیشین و نیز وجود جریانهای مردم، کالاها، خدمات، اطلاعات و فن آوری به یکدیگر پیوند خورده اند. لذا بروز تغییرات در نواحی روستایی فرایند خودکار[۱۳] و جدای از مناسبات شهری نیست (RMT,2000:3). تجربیات جهانی نشان می‌دهد که نواحی شهری دارای پیوند ضعیف با عرصه‌های روستایی خود عمدتاً در رقابتهای منطقه‌ای، ملی و بین المللی ناتوان و ناکارآمد هستند. افت درآمد در پسکرانه های روستایی، تقاضا برای تولیدات و خدمات نواحی شهری را با کاهش روبرو ساخته و به ظهور دوره‌های بدخیم اقتصادی مساعدت می‌نمایند. مدیریت روستایی یکپارچه با رویکرد پیوند روستا - شهر در برنامه ریزیهای توسعه شکست این چرخه را از طریق ایجاد پیوند میان نواحی روستایی و شهری در ابعاد منطقه ای جهت حصول به توسعهٔ پایدار تؤامان شهر و روستا را جستجو می‌کند. در این حالت شهرها بازاری برای تولیدات روستایی و نواحی روستایی نیز منبع تأمین مواد اولیه برای محصولات تولیدی شهرها محسوب می شوند. شهرها و شهرکها منبع بروز ابداعات و نوآوریها محسوب می شوند که قادرند در ارتقای بهره وری روستایی مساعدت نمایند. شهرها قادرند با ایجاد اشتغال برای مهاجران روستایی که در نتیجهٔ رشد جمعیت در روستاها بوقوع می پیوندند، موجب افزایش بهره وری کشاورزی گردند. این فرایند یعنی ایجاد اشتغال برای نیروهای مازاد در بخش کشاورزی نقش مهمی در کاهش فقر روستایی ایفا می کند. در متون توسعه تصریح شده است که با افزایش بهره وری روستایی، نواحی روستایی می توانند منبع مهمی برای سرمایه‌گذاری در توسعهٔ صنعتی و شهرنشینی محسوب شوند. بدین ترتیب با بروز تغییرات ساختاری در نواحی روستایی دورهٔ خوش خیم اقتصادی و توسعهٔ پایدار که حاصل پیوند روستا و شهر در ابعاد منطقه‌ای است شکل می‌گیرد (UNDP,1999:16). مدیریت پایدار و یکپارچهٔ روستایی بر اساس روابط متقابل شهر و روستا در ورای توسعهٔ کالبدی شهر و روستا جنبه‌های متعددی از مناسبات فضایی شامل زیر بناها و مسکن، ظرفیت سازی مالی، برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، بهداشت محیط و توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی تؤامان شهر و روستا را مورد توجه قرار می‌دهد. در این بین وجود جریانهایی چون مردم، کالاها، اطلاعات، تولید، سرمایه، درآمد، منابع طبیعی و آلودگی زباله میان روستا و شهر به همراه نقش و کارکردهای نظام شهری و تغییرات ساختاری نظامهای روستایی قادرند به بروز تغییرات وسیعی در شهرها و روستاها منجر شوند(Allen, 2004:3). بررسی و مطالعه سیرتوسعه سکونتگاههای روستایی در طول زمان و در مکانهای مختلف، بیانگر وجود تفاوت‌های اساسی در فرایند توسعه، عوامل اثرگذار بر توسعه و نیز پیامدهای آن

مدیریت پایدار و یکپارچهٔ روستایی بر اساس روابط متقابل شهر و روستا در ورای توسعهٔ کالبدی شهر و روستا جنبه‌های متعددی از مناسبات فضایی شامل زیر بناها و مسکن، ظرفیت سازی مالی، برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، بهداشت محیط و توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی تؤامان شهر و روستا را مورد توجه قرار می‌دهد

می باشد؛ لذا لازم است در این راستا متولیان امور مدیریت روستایی مؤلفه‌های مهمی چون توسعهٔ کالبدی شهر در فضاهای روستایی، مدیریت تغییرات کاربری اراضی، ظرفیت سازی نهادی، توسعهٔ گردشگری روستایی، توسعهٔ مراقبتهای بهداشتی از طریق تامین آب آشامیدنی بهداشتی، مدیریت مواد زاید و خطرناک (زباله) و ارتقای سطح توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی روستا و شهر را بطور همزمان در درون ساختار ناحیه ای مورد تاکید قرار دهند (FIG,2004:2). مدیریت پایدار و یکپارچهٔ شهر و روستا با رویکرد چند وجهی بر این اصل مهم تاکید دارد که تنها استفادهٔ پایدار از

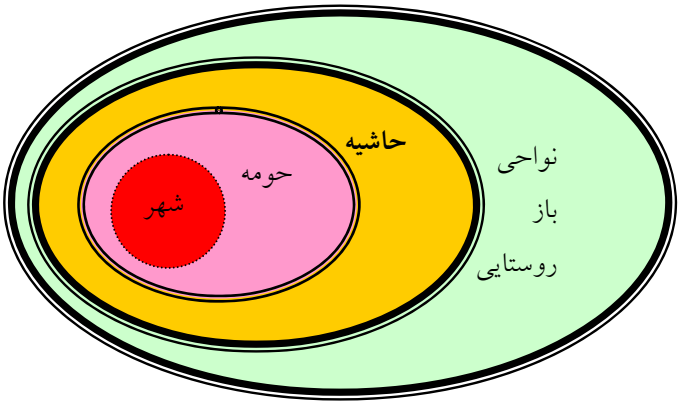

تصویر شماره ۵: تبیین مرزهای فضاهای شهری و روستایی

منابع طبیعی با پیوند هماهنگ ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی بین شهر و روستا است که قادر به تامین رفاه انسانی است. نواحی باز روستایی کشور همانطور که تصویر شماره ۵ نشان می‌دهد به عنوان اراضی واقع در حاشیهٔ نواحی شهری تعریف می‌شوند اما تشخیص آنان به شکل بصری عمدتاً مشکل است. در این محدوده بویژه در مجاورت حاشیهٔ شهرها گرایش قابل توجهی به استفاده از زمین مشاهده می‌شود. تاثیر شهرها بر اراضی روستایی در این بخش با عامل فاصله ارتباط مستقیم داشته بطوری‌که با کاهش فاصلهٔ نواحی روستایی از شهرها سوداگری و احتکار زمین به عنوان یک کالای اقتصادی افزایش می‌یابد و اراضی باز روستایی فشار بیشتری را تحمل می نمایند. به موازات تاثیر شهرها بر زمینهای باز روستایی، ارزش نسبی زمین برای مصارف کشاورزی کاسته و کاربری‌های دیگر از رونق بیشتری برخوردار می‌گردند.

در این محدوده بویژه در مجاورت شهرهای بزرگ رشد پراکنده و بی برنامه شهری غلبه داشته و مشکلاتی چون کاهش بهره وری، افزایش هزینه‌های نگهداری راهها و خدمات، ناهمگونی اجتماعی، کاهش تعلقات مکانی، انحرافات و آسیبهای اجتماعی، افزایش هزینه‌های محیطی از قبیل نابودی اراضی زراعی و باغات به همراه مشکل تعریف مرزهای شهری و نیز تعریف مرزهای بین نواحی شهری و روستایی به دلیل تداخل کاربریهای شهری و روستایی نمایان می گردد. لذا شهر در این حالت به عنوان محرک تغییر شکل نقاط پیرامونی عمل کرده و در اشکال مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیطی به بروز تغییرات عمدتاً غیر ارگانیک در نواحی روستایی

گرایش به بهره برداری بهینه از فرصتهای حاصل از روابط متقابل شهر و روستا به نفع جامعهٔ روستایی و کاهش تهدیدهای فراروی حاصل از روابط غیر ارگانیک در حال حاضر مهمترین چالش مدیران روستایی کشور در بعد محلی و منطقه‌ای است

کشور شده است. تحلیل این مناسبات و شیوه‌های اثر بخشی مراکز شهری بر نواحی روستایی در دوره های مختلف تاریخی کشور نشان می‌دهد که به دلیل فقدان نظام مدیریت یکپارچه و منسجم منطقه‌ای، عملکرد نظامهای شهری و روستایی از حاکمیت روابط دو سویه به سمت روابط یکسویه به نفع جامعهٔ شهری تغییر ماهیت داده است. این روابط عمدتاً به نفع جامعهٔ شهری بوده و جوامع روستایی کمتر از منافع آن برخوردار شده‌اند. گرایش به بهره برداری بهینه از فرصتهای حاصل از روابط متقابل شهر و روستا به نفع جامعهٔ روستایی و کاهش تهدیدهای فراروی حاصل از روابط غیر ارگانیک در حال حاضر مهمترین چالش مدیران روستایی کشور در بعد محلی و منطقه‌ای است (طاهر خانی، ۱۳۸٦).

ویژگی‌های محیطی شهر تهران

شهر تهران از لحاظ جغرافیایی در ۵۱ درجه و ٤ دقیقه تا ۵۱ و ۳۳ دقیقه طول شرقی و ۳۵ دقیقه تا ۳۵ و ۵۰ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. این شهر در گستره‌ای بین کوه و کویر در دامنه جنوبی البرز قرار دارد. گستره استقرار تهران از سمت جنوب و جنوب غربی به دشت‌های هموار ورامین و شهریار منتهی می‌شود و در سمت شرق و شمال توسط کوهستان محصور گردیده است. در کل تهران را می‌توان به دو بخش کوهپایه و دشت تقسیم کرد. حد طبیعی فضای جغرافیایی شهر در کوه و دشت به وسیله دو رود کرج و جاجرود مشخص می‌گردد که در نزدیکی کویر نمک در جنوب شرقی شهر به هم متصل می شود. پهنه فعلی تهران از حدود ۹۰۰ تا ۱۸۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد. ارتفاع در میدان تجریش در شمال تهران حدود ۱۳۰۰ متر و در میدان راه آهن در جنوب شهر که با آن ۱۵ کیلومتر فاصله دارد ، ۱۱۰۰ متر می باشد که به ازائ هر کیلومتر مساحت ۱۳/۵ متر، افت شیب ملاحظه می شود. کوهستان البرز که شهر را در بر گرفته است، همچون دیواره های هلالی شکل، فضای جغرافیایی تهران را محصور کرده است، لذا از ارتفاع ۱۸۰۰ متری به علت شیب زیاد و تنگناهای کوهستانی، مانع بسیار صعب العبوری در سمت شرق و شمال در برابر توسعه توسعه فیزیکی شهر بوجود آمده است. همچنین در سمت جنوب و غرب در سطح دشت تهران فضای کافی و گسترده ای برای گسترش شهر در مراحل گوناگون، موجود بوده و هیچ محدودیت فیزیکی در برابر توسعه آن قرار نداشته است (مدنی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۰). نقشه شماره ۱ موقعیت سرزمینی شهر تهران را در کل کشور نشان می‌دهد. همچنین بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ جمعیت شهر تهران ۷۷۹۷۵۲۰ نفر بوده است. لازم به یادآوری است که محدوده جغرافیایی شهر تهران طی سالهای ۱۳۳۵-۱۳۸۵ تغییر کرده است. در این سالها نقاطی در شهرستان تهران وجود داشته اند که طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ به محدوده شهر جذب شده که جمعیت این مراکز به جمعیت ته«ران افزوده گردیده‌ان«د. بعنوان نمونه از

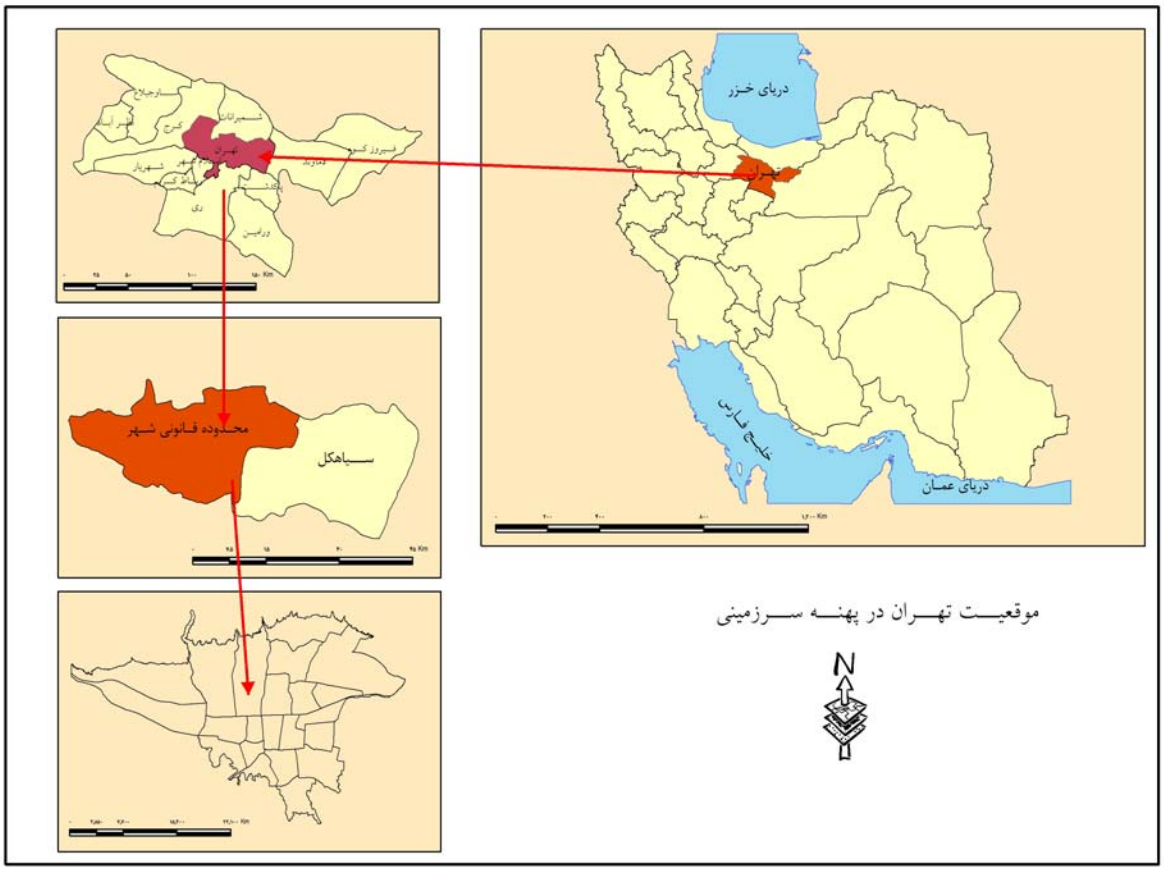

نقشه شماره ۱: موقعیت شهر تهران در کشور

سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ تعداد ۱۰۳ روستا به حوزه کلانشهر تهران و از سال۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ حدود۲۰ روستای دیگر در شهر تهران هضم گردیده است. همچنین بر اساس آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، کل جمعیت روستایی حوزه کلانشهر تهران ۱۱۶۰۷۸۵ نفر می‌باشد. (۶۱۹۸۰۳مرد و۵۴۰۹۸۲ زن).

روستاهای حوزه کلانشهر تهران

شهر تهران علاوه بر سطح ملی، در سطح منطقه‌ای و ناحیه‌ای نیز بالاترین تعداد و تنوع کارکردها را دارد و بعنوان مکان مرکزی برتر، ارائه کننده کالاها و خدمات مختلف به شهرها وروستاهای اطراف حوزه‌اش می‌باشد. به دلیل فاصله نه چندان زیاد روستاها (حتی دورترین آنها در سطح استان) با شهر تهران، اکثر روابط و مراجعات بصورت روزانه و پاندولی است با این تفاوت که در نواحی روستایی حاشیه‌ای استان تهران، روابط تهران بصورت سلسله مراتبی است و شهرهای متوسط و کوچک نیز بعنوان مکانهای مرکزی کوچکتر ایفای نقش می‌کنند، ولی در فواصل نزدیکتر، اکثر روابط روستاها بطور مستقیم با تهران

شـهر تهـران عـلاوه بـر سـطح ملـی، در سـطح منطقـه‌ای و ناحیـه‌ای نیـز بـالاترین تعـداد و تنـوع کارکردها را دارد و بعنوان مکان مرکزی برتـر، ارائـه کننده کالاها و خدمات مختلف به شهرها وروستاهای اطراف حوزه‌اش می‌باشد

امروزه بخش عمده‌ای از نواحی روسـتایی و نقـاط شهری استان تهران، نقش حومه شهر تهران را ایفـا می‌کنند و بعنوان عرصه‌ای تکمیلی برای شهر تهران می‌باشند. در واقع شهر تهران از این فضـاها بـرای تکمیل کارکردهای خود استفاده می‌کند

است و مکانهای مرکزی کوچکتر نادیده گرفته مـی‌شـود (رضـوانی،۱۳۸۱: ۸۵). همچنـین بـا توجـه بـه نقـش تدارکاتی نواحی روستایی اطراف برای شهر تهران بویژه در زمینه نیروی انسانی، محصولات کشـاورزی و دامـی، تـامین آب، مصـالح سـاختمانی و برخـی از کالاهـای صنعتی، ایـن روابـط را مـی‌تـوان در چهـارچوب مـدل حوضه نفوذ نیز توجیه تبیین کرد. البته به دلیل تفاوتهای مکانی بـین نـواحی روسـتایی شـمال و جنـوب تهـران، کارکرد این نواحی بعنوان حوضه نفـوذ در برابـر تهـران متفاوت است. بنابراین امروزه بخش عمده ای از نواحی روستایی و نقاط شهری استان تهران، نقش حومـه شـهر تهران را ایفا می‌کنند و بعنوان عرصـه‌ای تکمیلـی بـرای شهر تهران می‌باشند. در واقع شهر تهران از ایـن فضـاها برای تکمیل کارکردهای خود استفاده می‌کند و بخشی از کارکردهای خود را به این نـواحی منتقـل کـرده اسـت. نواحی روستایی و کوهستانی محور شمال تهران بعنـوان عرصه‌ای تکمیلـی بـرای گـردش و تفـریح، ورزشـهای زمستانی و گذران اوقات فراغت شهروندان تهرانی مورد استفاده قـرار مـی‌گیرنـد کـه شـکل گیـری و گسـترش خانـه‌هـای دوم، امـاکن اقـامتی، پـذیرایی و تفریحـی و گسترش شبکه ارتباطی از آثـار ایـن کـارکرد اسـت. در مقابل، نواحی روستایی جنوب شـرق، جنـوب و غـرب تهران بیشتر بعنوان عرصه‌ای برای دفن زبالـه و انباشـت فـاضلاب، سکونت کارگران و کـارکنان شهری، احداث صنایع و بویژه کارگاههای مـزاحم شـهری و آلـوده‌زا، گسترش شـبکه ارتبـاطی موجـب تحـولات گسـترده جمعیتی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصـادی و کالبـدی در آنها شده است. در مجموع می‌توان این روابط شـهر و روستا با ملاکهای پایداری بـرای رسـیدن بـه توسـعه مطلوب فاصله زیادی دارد.

نتیجه‌گیری

در نواحی روستایی تهران به دلیل فاصله نزدیک شهر وروستا وقرار داشتن کلان شـهر ملـی تهـران در یک طرف رابطه، روابط شهر وروستا گسترده و متنوع و دارای پیامدهای عمیق اسـت. امـروزه اکثـر نـواحی روستایی کلانشهر تهران نقـش حومـه شـهر تهـران و شهرهای اقماری مجاور آن را ایفا مـی‌کننـد و بعنـوان عرصه‌ای تکمیلی بـرای کارکردهـای شـهری و یـا در واقع بصورت حیاط خلوت شهر تهران عمل می کنند. بنابراین گونه خاصی از روابط شهر وروستا ومتفـاوت با سایر نواحی کشور در اطراف تهران در جریان است که منجر به پیدایش نـوع ویـژه‌ای از روسـتا وزنـدگی روستایی شده است. همچنین تنوع وگستردگی روابط، موجب یکپارچگی عملکردی وفضایی شـهر وروسـتا، تبدیل نواحی روستایی به نـواحی روسـتایی وشـهری مختلط و کمرنگ شدن مرزهای تفکیک شهر و روستا شده است. نواحی روستایی جنوب شـرق، جنـوب و

غـرب تهـران اگـر چـه بـا پـذیرش بخشـی از جریـان مهاجرت به تهران، فشار مستقیم بر این شـهر را کـاهش داده و در واقع بعنوان ضربه گیر این شهر عمل کرده‌اند، ولی گسترش کارکردهای خوابگاهی، کارگاهی، صـنعتی و استقرار تاسیسـات و تجهیـزات در ایـن نـواحی و یـا بعبارتی بهـره بـرداری گسـترده تهـران از ایـن نـواحی، موجب بروز دگرگونی‌های عمیق اقتصـادی، اجتمـاعی- فرهنگی و فضایی- کالبدی در آنها شده اسـت. اگـر بـا نگـرش مسـئله‌ای بـه ایـن دگرگـونی‌هـا توجـه کنـیم، پیامدهای منفی متعددی در زمینه تخریب محیط زیست، تخریب چشـم انـداز، تبـدیل و تغییـر کـاربری اراضـی کشاورزی، رکـود فعالیتهـای کشـاورزی و دامـی، بـروز ناهنجاریهای اجتماعی وفرهنگی و ایجاد تباینات کالبدی در این نواحی خواهیم یافت. در نواحی روستایی شـمال تهران، نیز این مشکلات کم و بیش ولی به شیوه متفاوت ایجاد شده است.

در مجموع، از آن جا که بروز تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فضـایی- کالبـدی و شـکل گیـری کارکردهای جدید در نـواحی روسـتایی اطـراف تهـران بصورت خودجوش و فاقد هرگونه حرکت برنامه ریزی شده بوده است، آثار و پیامدهای نامطلوبی هم بـر شـهر تهران و هم بر نواحی اطراف آن بر جای گذاشـته اسـت که به همین دلیل کنترل و هـدایت تحـولات در نـواحی اطراف تهران در راستای توسعه یکپارچه و پایدار نواحی شهری و روستایی از طریق تهیـه و اجـرای طـرح هـای ساماندهی ضروری مـی‌باشـد. همچنـین سیاسـت ملـی شهرنشینی بایـد یـک سیسـتم متشـکل سـکونتگاهی در شبکه جغرافیایی ایجاد کند تا منافع توسـعه اجتمـاعی و اقتصادی از مراکز شهری بـه حـوزه‌هـای روسـتایی و از حـوزه‌های روستایی ناحیه بـه شهرها و شهرهای بزرگ

از آن جا کـه بـروز تحـولات اقتصـادی، اجتمـاعی، فرهنگی و فضایی- کالبدی و شکل‌گیری کارکردهای جدید در نواحی روسـتایی اطـراف تهـران بصـورت خودجوش و فاقد هرگونه حرکت برنامه‌ریـزی شـده بوده است آثار و پیامدهای نامطلوبی هم بر شهر تهران و هم بر نواحی اطراف آن بر جای گذاشته است

جریان یابد. سپس باید بـرای اسـتحکام روابـط شـهر وروستا در یک تعامـل اجتمـاعی- اقتصـادی منطقـی کوشش شود. البته باید توجه داشـت کـه موفقیـت در این زمینه منوط به بازنگری نقش وکـارکرد تهـران در سطح ملـی و تمرکززدایـی از آن در راسـتای آمـایش سرزمین و توازن منطقه‌ای و همچنین منوط به انجـام اصلاحات اقتصادی، اجتمـاعی، فرهنگـی و سیاسـی- اداری در کشور می‌باشد. پس می‌توان نتیجه گرفت که آن چه که برای پایداری کلان شهر تهران مطرح است سیاستهای منطقـی و شـالوده شـکنی در تغییـر شـیوه زنـدگی سـاکنین آن اسـت. همچنـین چـاره جـویی پایداری کلان شـهر تهـران پـیش از آن کـه راه حلـی مهندسی، فناورانه و با تزریق پولهای بیشتر باشـد، راه حلی اجتماعی و فرهنگی و با ایجاد اجتماعاتی محلی است که شیوه زندگی پایداری برگزیده باشـند؛ پیامـد کالبدی و اقتصادی این اجتماعات، کلان شهری پایدار است که پیشتاز پایداری منطقه و کشور نیز می‌باشد.

پی‌نوشت

1- Facilitate Alliances between Sectors
2- Strengthen Rural People’s Organizations
3- Congestion
4- Urban Squalor

5- Housing shortage
6- Breakdown in Urban Infrastructure
7- Dennis Rondinelli & Hugh Evans
8- Integrated Regional Development Planning
9- Inter – sectoral
10- Multi-Disciplinary
11- Synergistic relationship
12- Rural – urban alliance
13- Autonomous Process

منابع و مآخذ

- ازکیا، مصطفی، توسعه پایدار روستایی. تهران: انتشارات کیهان، چاپ پنجم،۱۳۸۷.
- رضوانی، محمدرضا، تحلیل الگوهای روابط ومناسبات شهر وروستا در نواحی روستایی اطراف تهران، مجله پژوهشهای جغرافیای، شماره۴۳،۱۳۸۱.
- طاهر خانی، مهدی، مدیریت پایدار و یکپارچهٔ روستایی با تاکید بر روابط متقابل شهر و روستا در ایران، همایش توسعه روستایی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸٦.
- مدنی‌پور، علی و داودی، سیمین، تاثیر تخریب محیط طبیعی تهران بر افزایش مسائل (مشکلات آن، فصلنامه جستارهای شهرسازی) شماره هشتم، ۱۳۸۳.
- مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۸۵.

- Allen Adriana & Julio Davila (2004), Development planning unit, university college London.
- Epstein.T.Scarlett & Joseph. David (2001) ,“Development-there is another way :A rural-urban partnership development paradigm”, World development, vol.29,p.1443-1454
- Magel.Holger (2002), “Sustainable land development and land management in urban and rural areas – about surveyors contribution to building a better world ”, Germany, Technische Universidad Munched.
- Michelle ,gray more, Neil g. Snipe, ropy e. rick son (2008),regional sustainability :how useful are current tools of sustainability’s assessment at the regional scales, ecological economics, vol67, pp. 362-372
- Rondinelli. A. Dennis & Evans. Hugh (1983) “ Integrated regional development planning : linking urban centers and rural areas in Bolivia ” , world development , Vol. 11 , P. 31-35
- RMT : Regional management Team (2000) , “ Attacking poverty – A multidisciplinary approach , the case of Bangladesh
- UNDP (1999), “Poverty alleviation through rural-urban linkages implementation phase”, project of the government of Indonesia.
- FIG (2004)”, Urban – Rural interrelationship condition for sustainable development”, UNEP, Marrakech declaration, Copenhagen, Denmark.